



فارسی هشتم درس هشتم «آزادگی»



۰۹۱۲ ۴۷۴ ۰۸۳۰

هسین امینیان

آزادگی



شعر این درس، به شیوه داستانی خوانده می شود. خواندن این گونه متن ها معمولاً با آهنگ نرم و کشش آوایی همراه است. بنابراین لحن خواننده آن باید به گونه ای باشد که میل و رغبت شنونده را به شنیدن ادامه آن برانگیزاند و شوقی همراه با انتظار در ذهن و روح پدید آورد.

دل: لباس پشمی، جامه درویشی

درشت: خشن، زبر

پشته: کوله بار

همی برد: می برد (ماضی استمراری در قدیم)

پشته، پشت: جناس ناهمسان افزایشی

خارکش، خار: اشتقاق

خارکش، خار، پشته: مراعات نظیر

۱- **خارکش پیری با دل** درشت

پشته ای خار همی برد به پشت

مرد پیر خارکشی که لباس پشمی خشنی

پوشیده بود و پشته ای از خار بر پشتش می برد

مفهوم بیت: **کار و زحمت کشیدن**

۲- **لنگ لنگان** قدمی بر می داشت

هر قدم **دانه** شکر می کاشت

آرام آرام قدم بر می داشت و با هر قدم خدا را

شکر می کرد.

مفهوم بیت: **راضی بودن و شکرگزاری کردن**

لنگ لنگان: شلان شلان

دانه شکر: اضافه تشبیهی

بر، هر: جناس ناهمسان اختلافی

می کاشت، می داشت: جناس ناهمسان اختلافی

قدم: تکرار

۳- **کای فرازنده** این چرخ بلند

و ای نوازنده دل های نژند

ای کسی که بلندکننده این آسمان بزرگ

هستی و ای کسی که به دل های افراد غمگین و

ناراحت آرامش می بخشی.

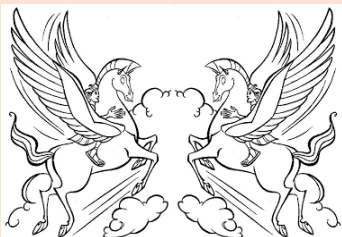
فرازنده: بلندکننده، بالا برنده

چرخ: آسمان

نوازنده: نوازش کننده

نژند: افسرده، سرگشته، اندوهگین

چرخ: مجاز از آسمان

جیب: گریبان، یقه عزیزی: بزرگواری از جیب تا دامن نظر کردن: کنایه از توجه کردن تا، با - که، چه: جناس ناهمسان اختلافی دامن، بامن: جناس ناهمسان اختلافی چه عزیزی که نکردی با من: استفهام تأکیدی	۴- کنم از جیب نظر تا دامن چه عزیزی که نکردی با من وقتی که سر تا پای خود را بررسی می‌کنم، می‌بینم که چه بزرگواری‌هایی در حق من نموده‌ای. مفهوم بیت: توجه درونی
دولت: خوشبختی، سعادت رخ: چهره، روی عزت: سرافرازی، بزرگی بنهادی: قرار دادی در دولت: اضافه تشبیهی تاج عزت: اضافه تشبیهی در دولت به رخ کسی گشادن: کنایه از خوشبختی تاج عزت به سر کسی نهادن: کنایه از بزرگ بودن در، سر: جناس ناهمسان اختلافی تاج، سر: مراعات نظیر بیت: آرایه موازنه دارد	۵- در دولت به رخ بگشادی تاج عزت به سرم بنهادی خوشبختی و سعادت را به روی من باز کردی و تاجی از سرافرازی و افتخار بر سر من نهاده‌ای. مفهوم بیت: بخشش و کرم خداوند 
حد: اندازه، توان / ثنا: ستایش، مدح، درود عطا: بخشش، دهش، احسان سفتن: سوراخ کردن، ساییدن گوهر: جوهر، مروارید گوهر شکر: اضافه تشبیهی گوهر شکر عطایت سفتن: کنایه از شکرگزاری گفتن، سفتن: جناس ناهمسان اختلافی	۶- حد من نیست ثنایت گفتن گوهر شکر عطایت سفتن من در حدی نیستم که بتوانم شکر و ستایش و بخشش‌هایی را که در حق من نموده‌ای بجا آورم. مفهوم بیت: ناتوانی انسان از شکرگزاری خداوند
مغرور: تکبر، خودخواه رخش: اسب پندار: وهم، خیال، فکر همی راند: می راند رخش پندار: اضافه تشبیهی نوجوان، جوان: اشتقاق مفهوم بیت: خودخواهی و تکبر جوان	۷- نوجوانی به جوانی مغرور رخش پندار همی راند ز دور جوانی که به نیروهای جوانی خود مغرور بود. در حالی که سوار بر اسب خیال خود بود... 

کای: مخفف که ای خرف: کهنسال، کم عقل «ش»: واج آرایبی خמוש گشته: کنایه از ساکت شدن	۸- آمد آن شکر گزاریش به گوش گفت کای پیر خرف گشته، خמוש شکرگزاری او را (آن پیرمرد) را شنید و گفت: ای پیر کهنسال، خاموش و ساکت باش. مفهوم بیت: نادانی و کم خردی نوجوان
زین سان: اینگونه گام زنی: قدم می زنی، راه می روی دولت: اقبال، سعادت	۹- خار بر پشت، زنی زین سان گام دولت چیست؟ عزیزت کدام؟ خار بر پشت داری و این گونه قدم می زنی بخت و اقبال و بزرگی تو کجاست؟ مفهوم بیت: عدم درک نوجوان از زندگی
عزت: بزرگی، سروری خواری: پستی، زبونی، ذلیل باخته ای: از دست داده ای خوار، خار: جناس ناهمسان افزایشی و هم آوا عزت، خواری: تضاد	۱۰- عزت از خواری نشناخته ای عمر در خار کشی باخته ای تو بزرگی را از پستی نمی شناسی و عمرت را در خار کشیدن از دست داده ای. مفهوم بیت: ناآگاهی و عدم درک نوجوان
زین: از این به: بهتر نیم: نیستم بالین: بستر، بالشت نه: نهادن، گذاشتن در: مجاز از خانه بر در تو بالین نه: کنایه از محتاج نبودن چه، که، به: نه: جناس ناهمسان اختلافی بر، در: جناس ناهمسان اختلافی	۱۱- پیر گفتا که چه عزت زین به که نیم بر در تو بالین نه پیرمرد جواب داد چه سربلندی و افتخاری از این بالاتر است که من محتاج تو نیستم. مفهوم بیت: بی نیاز بودن 
کای: که ای فلان: برای اشاره به شخص چاشت: غذای اول روز، صبحانه چاشت، شام: تضاد نان، آب، خوردن آشامیدن: مراعات نظیر نان با خوردن-آب با آشامیدن: لف و نشر مرتب چاشت، شام: مراعات نظیر آشام، شام: جناس ناهمسان افزایشی	۱۲- کای فلان چاشت بده یا شام نان و آبی که خورم و آشامم که ای فلانی صبحانه یا شامی به من بده و نانی بده بخورم و آبی بده بیاشامم. مفهوم بیت: محتاج نبودن

۱۳- شکر گویم که مرا خوار نساخت به خسی چون تو گرفتار نساخت خدا را شکر می گویم که مرا خوار و ذلیل نکرد و گرفتار آدم پستی مثل تو نکرد. مفهوم بیت: راضی بودن از زندگی و سپاسگزار	خوار: پست، زبون خس: خار و خاشاک، پست، فرومایه که، به: جناس ناهمسان اختلافی نساخت: تکرار به خسی چون تو: تشبیه گرفتار نساختن: کنایه از نیازمند و محتاج نکردن
۱۴- داد با این همه افتادگی ام عزّ آزادی و آزادگی ام خدا با این همه بی چیزی ام به من ارجمندی آزادی و آزادگی بخشیده است. مفهوم بیت: توکل داشتن به خدا	عزّ: ارجمندی، عزیز شدن آزادی، آزادگی: جناس ناهمسان افزایشی عزّ آزادی و آزادگی دادن: کنایه از مردانگی افتادگی: مجاز از بی چیزی، تهی بودن

تاریخ ادبیات

 جامی	زاده: ۷۹۳ هجری قمری خرگرد، خراسان درگذشت: ۸۷۱ یا ۸۹۸ (۸۱ سالگی) در هرات محل زندگی: هرات دیگر نام‌ها: نورالدین عبد الرحمن بن نظام‌الدین احمد بن محمد پیشه: خلیفه طریقت نقشبندیه اثر برجسته: بهارستان به تقلید از گلستان سعدی سبک: تصوف عنوان: خاتم‌الشعرا، ابوالبرکات، دشتی مذهب: اسلام تصوف
 جامی دم گفت و گو فروبند دگر دل شیفته خیال مپسند دگر در شعر مده عمر گرانمایه بباد انگار سیه شد ورقی چند دگر "نورالدین عبدالرحمن جامی رح"	آثار منظوم: جامی اشعار خود را در دو مجموعه بزرگ گردآوری کرده است: دیوان‌های سه‌گانه شامل قصاید و غزلیات و مقطعات و رباعیات و هفت اورنگ (۱- سلسله الذهب ۲- سلامان و ابسال ۳- تحفه الاحرار ۴- سبحة الابرار ۵- یوسف و زلیخا ۶- لیلی و مجنون ۷- خردنامه اسکندری) آثار منثور: بهارستان، رساله وحدت وجود، شرح مثنوی، نفحات الانس و منشآت

خودارزیابی

۱- از نظر پیر خارکش، عزت و آزادگی چیست؟

قانع بودن و محتاج دیگران نبودن، خوار نشدن در مقابل دیگران

۲- با توجه به شعر، شخصیت پیر و جوان را با هم مقایسه کنید.

جوان مغرور پر ادعا، پیر فروتن و بی ادعا، جوان زیاده خواه، پیر قانع، جوان ارزش و سعادت را در ثروت و قدرت می دید در حالی که پیر ارزش ها را در قانع بودن و بی نیازی نسبت به دیگران می دید.

۳- چگونه می توان به عزت و آزادگی رسید؟

باید ابتدا فکر خود را تغییر داد. زندگی انسان ها در گرو فکر آنهاست یعنی ما آنچنان فکر می کنیم زندگی می کنیم. در شعر، تلاش و کوشش برای زندگی و بی نیازی از دیگران باعث عزت و آزادگی می شود.

دانش ادبی

مثنوی

مثنوی

اکنون با یکی از قالب های شعر فارسی آشنا می شویم. به قافیه های شعر این درس توجه کنید. با اندکی دقت متوجه می شویم که قافیه های هر بیت با بیت دیگر متفاوت است؛ شکل قافیه در این نوع شعر بدین صورت است.

*.....	*.....
#.....	#.....
).(.....	).(.....
^.....	^.....

به این قالب شعری، «مثنوی» یا «دوتایی» می گویند، چون در هر بیت، هر دو مصراع، هم قافیه هستند. مثنوی، معمولاً بلند و طولانی است و بیشتر برای بیان داستان ها از آن بهره می گیرند. از مهم ترین مثنوی های فارسی، می توان «شاهنامه فردوسی»، «بوستان سعدی»، «مثنوی مولوی» و «لیلی و مجنون نظامی» را نام برد.

گفت و گو

۱- چه پیوندی میان محتوای درس آداب نیکان، با شعر این درس، می توان یافت؟
در این باره گفت و گو کنید.

درس آداب نیکان دربارهٔ آداب زندگی کردن است، اما شعر، نوع و نحوه زندگی کردن را برای ما یاد آور می شود. هر دو درس ما را ترغیب می کند که روی پای خود بایستیم و محتاج دیگران نباشیم و حریمی داشته باشیم که نه از آن خارج شویم و نه اجازه دهیم دیگران وارد آن شوند، هر دو درس ما را به دانش آزادی و آزادگی و عزّت نفس دعوت می کند.

۲- دربارهٔ راههای حفظ «عزّت و آزادگی» کشور عزیزمان، ایران، گفت و گو کنید.

عزّت و آزادگی کشور عزیزمان در عدم وابستگی به بیگانگان است. اگر ما بتوانیم در هر کاری (حداقل کارهای مهم) روی پای خودمان بایستیم و به داشته های خودمان فکر کنیم و به آنها بها دهیم، به جوان ها و متخصصین فرصت انجام کارهای مهم را بدهیم و از کالاهای ساخت داخل استفاده کنیم و نظم و قانون را در کارها رعایت کنیم مطمئناً عزّت و آزادگی را به کشورمان هدیه داده ایم.

فعّالیت های نوشتاری

۱- کلمه های تازه شعر را انتخاب کنید و معنی آنها را بنویسید.

دلّی: نوعی جامه ی پشمین که فقیران می پوشند

پشته: توده نوازنده: آنکه نوازش و مهربانی می کند

فرازنده: بلندکننده نژاد: اندوهگین

جیب: گریبان دولت: نیکبختی

ثنا: ستایش بالین: بالش

پندار: وهم عطا: بخشش

خرف: کم عقل عزت: سرافرازی

خس: خاشاک

۲- تفاوت معنایی واژهٔ مشخص شده را در گذشته و امروز بنویسید.

«خار بر پشت، زنی زین سان گام دولت چیست؟ عزیزیت کدام؟»

دولت در گذشته: به معنی سعادت، نیک بختی و خوش اقبالی بود

دولت در امروز: به معنی مجموعه افرادی که کشور را اداره می کنند است.

۳- در سه بیت پایانی شعر، «قافیه» ها را مشخص کنید.

کای فلان چـاشت بده یا شامم	نان و آبی که خورم و آشامم
شکر گویم که مرا خوار ساخت	به خسی چون تو گرفتار ساخت
داد با این همه افتادگی ام	عز آزادی و آزادگی ام

قافیه ها:

شامم و آشامم

خوار و گرفتار

افتادگی و آزادی

۴- با توجه به درس، دلیل آزادی پیرمرد را بنویسید.

اینکه در مریضی و بستر بیماری نیست و کسی روزی او را نمی دهد و خودش تلاش می کند و روزی حلال کسب می کند و به آدم های بی معرفت گرفتار نشده است.

بررسی و توضیحات نقش دستوری درس «آزادگی» فارسی هشتم

پشته‌ای خار همی برد به پشت بیت یک جمله دارد. (خارکش پیری با دلُق درشت پشته ای خار به پشت می برد) مصرع اول: <u>خارکش پیری</u> با <u>دلُق</u> درشت: گروه متمم نهاد (پیری خارکش: صفت با نشین اسم «مرد پیر خارکش» حرف اضافه متمم صفت مصرع دوم: <u>پشته‌ای خار</u>: گروه مفعولی همی برد به پشت مفعول مضاف الیه فعل ماضی استمراری حرف اضافه متمم	۱- <u>خارکش پیری با دلُق درشت</u> بیت سه جمله دارد. (۱- لنگ لنگان قدمی بر می داشت ۲- هر قدم دانه شگری می کاشت) هذف فعل به قرینه لفظی مصرع اول: <u>لنگ لنگان</u> قدمی بر می داشت مفعول قید فعل پیشوندی ماضی استمراری مصرع دوم: <u>هر</u> قدم بر می داشت دانه شگری می کاشت صفت مبهم نهاد فعل مفعول مضاف الیه فعل ماضی استمراری بررسی دیگر: هر قدم : برای هر قدم: حذف حرف اضافه و قدم را متمم بگیریم.
۲- <u>لنگ لنگان قدمی بر می داشت</u> بیت سه جمله دارد. (۱- لنگ لنگان قدمی بر می داشت ۲- هر قدم دانه شگری می کاشت) هذف فعل به قرینه لفظی مصرع اول: <u>لنگ لنگان</u> قدمی بر می داشت مفعول قید فعل پیشوندی ماضی استمراری مصرع دوم: <u>هر</u> قدم بر می داشت دانه شگری می کاشت صفت مبهم نهاد فعل مفعول مضاف الیه فعل ماضی استمراری بررسی دیگر: هر قدم : برای هر قدم: حذف حرف اضافه و قدم را متمم بگیریم.	۳- <u>کای فرازنده این چرخ بلند</u> بیت چهار جمله دارد. (۱- ای کسی که ۲- فرازنده این چرخ بلند هستی ۳- و ای کسی که ۴- نوازنده دل های نژند هستی) مصرع اول: <u>کای (ای کسی که)</u> فرازنده این چرخ بلند هستی منادا حرف ندا مسند مضاف الیه صفت فعل مفعول و نهاد مفعول «تو» مصرع دوم: <u>و</u> ای نوازنده دل های نژند هستی حرف ربط همپایه حرف ندا با حذف منادا مسند مضاف الیه صفت حذف فعل و نهاد مفعول «تو»
۴- <u>کنم از جیب نظر تا دامن</u> بیت دو جمله دارد. (از جیب تا دامن نظر کنم ۲- چه عزیزی که با من نکردی) مصرع اول: <u>کنم (نظر کنم)</u> از جیب نظر تا دامن فعل مرکب حرف اضافه متمم جزء فعل حرف اضافه متمم مصرع دوم: <u>چه</u> عزیزی که نکردی صفت تعبیبی مفعول حرف ربط مطلق فعل (انجام داری) حرف اضافه متمم چه عزیزی که نکردی با من: استفهام تأکیدی (چقدر عزیزی با من کردی) نکته ۱: فعل های منفی در جمله: بهترین روش برای تشخیص نقش کلمات اول: جمله یا بیت را مرتب نمایید. دوم: اگر فعل جمله منفی بود آن را به فعل مثبت تبدیل نمایید با این کار راحت تر می توان تجزیه و تحلیل نمود.	۴- <u>کنم از جیب نظر تا دامن</u> بیت دو جمله دارد. (از جیب تا دامن نظر کنم ۲- چه عزیزی که با من نکردی) مصرع اول: <u>کنم (نظر کنم)</u> از جیب نظر تا دامن فعل مرکب حرف اضافه متمم جزء فعل حرف اضافه متمم مصرع دوم: <u>چه</u> عزیزی که نکردی صفت تعبیبی مفعول حرف ربط مطلق فعل (انجام داری) حرف اضافه متمم چه عزیزی که نکردی با من: استفهام تأکیدی (چقدر عزیزی با من کردی) نکته ۱: فعل های منفی در جمله: بهترین روش برای تشخیص نقش کلمات اول: جمله یا بیت را مرتب نمایید. دوم: اگر فعل جمله منفی بود آن را به فعل مثبت تبدیل نمایید با این کار راحت تر می توان تجزیه و تحلیل نمود.

۵- در دولت به رخم بگشادی

بیت دو جمله دارد. (۱- در دولت به رخم بگشادی ۲- تاج عزت به سرم بنهادی)

بشادی	م: گروه متممی	به	مصرع اول: در دولت
فعل	مضاف الیه	مرف اضافه متمم	نهار مضاف الیه
بنهادی	م: گروه متممی	به	مصرع دوم: تاج عزت
فعل	مضاف الیه	مرف اضافه متمم	نهار مضاف الیه

۶- حدّ من نیست ثنایت گفتن گوهر شکر عطایت سفتن

بیت دو جمله دارد. (۱- ثنا گفتن تو حدّ من نیست ۲- گوهر شکر عطا سفتن تو حدّ من نیست)

مسنر و فعل مفزوف

مصرع اول: حدّ من: گروه مسنری نیست ثنا: (بهشضمیر: ثنا گفتن تو) گفتن: گروه نهادی

مسنر مضاف الیه فعل اسنادی نهاد «ت» مضاف الیه مضاف الیه

مصرع دوم: گوهر شکر عطا: (ت: بهشضمیر: عطا گفتن تو) سفتن: گروه نهادی

نهاد مضاف الیه مضاف الیه «ت» مضاف الیه برای سفتن مضاف الیه برای عطا

۷- نوجوانی به جوانی مغرور

بیت دو جمله دارد. (۱- نوجوانی به جوانی مغرور بود ۲- رخس پندار از دور می راند)

مصرع اول: نوجوانی	به	جوانی	مغرور: گروه متممی
نهاد	حرف اضافه	متمم	صفت
مصرع دوم: رخس پندار: گروه نهادی	همی	راند	ز دور
نهاد	مضاف الیه	فعل ماضی استمراری	حرف اضافه متمم

۸- آمد آن شکر گزاریش به گوش
گفت کای پیر خرف گشته، خموش

بیت چهار جمله دارد.

(۱)- آن شکرگزاریش به گوش آمد ۲- گفت ۳- که ای پیر خرف ۴- گشته خاموش)

مصرع اول: آمد	آن	شکر گزاری	ش: گروه نهاری	به	گوش
فعل ناگذرا	صفت اشاره	نهاد	«ش» مضاف الیه	حرف اضافه	متمم
مصرع دوم: گفت	کای	پیر	خرف (شبه جمله)	گشته (به معنی باش)	خמוש
فعل گذرا	حرف ربط	حرف ندا	صفت و	فعل استنادی	مسند

۹- خار بر پشت، زنی زین سان گام
دولت چیست؟ عزیزت کدام؟

بیت چهار جمله دارد.

(۱- خاریشت داری ۲- زین سان گام زنی ۳- دولتت چیست؟ ۴- عزیزت کدام؟)

مصرع اول: خار	بر	پشت داری	زنی (گام زنی)	زین سان	گام (گام زنی)
مفعول	حرف اضافه	متّم فعل مفعول	فعل مرکّب	متّم قیدی	جزء اصلی فعل
مصرع دوم: دولت: گروه نهاری	چیست؟	عزیزت	کدام؟	است	
نهاد	«ت» مضاف الیه	مسند فعل اسنادی	نهاد «ت» مضاف الیه	مسند	فعل مفعول

۱۰- عزّت از خواری نشناخته ای

عمر در خارکشی باخته ای

بیت دو جمله دارد. (۱- عزّت از خواری نشناخته ای ۲- عمر در خارکشی باخته ای)

مصرع اول: عزّت از خواری نشناخته ای
مفعول حرف اضافه متمم فعل ماضی نقلی

مصرع دوم: عمر در خارکشی باخته ای
مفعول حرف اضافه متمم فعل ماضی نقلی

۱۱- پیر گفتا که چه عزّت زین به

که نیم بر در تو بالین نه

بیت سه جمله دارد. (۱- پیر گفتا ۲- که چه عزّت از این بهتر است ۳- که بر در تو بالین نه نیستم)

مصرع اول: پیر گفتا که چه عزّت از این به است
نهاد فعل حرف ربط صفت تعبیه نهاد حرف اضافه صفت اشاره مسند فعل ماضوف

مصرع دوم: که نیم بر در تو: گروه متممی بالین نه
حرف ربط وابسته فعل حرف اضافه متمم مضاف الیه مسند

۱۲- کای فلان چاشت بده یا شامم

نان و آبی که خورم و آشامم

بیت شش جمله دارد.

(۱- ای فلان کس ۲- چاشت بده ۳- شامم بده ۴- نان و آبی بده ۵- که بخورم ۶- و بیا شامم)

(چون حالت جمله نوعی درخواست و طلب را می رساند با حذف فعل «بده» مواجه شده است)

مصرع اول: کای فلان چاشت بده یا شامم بده
حرف ندا نهاد مفعول فعل حرف ربط همپایه مفعول مضاف الیه فعل ماضوف

مصرع دوم: نان و (نکته ۲) آبی که (تا اینکه) خورم و آشامم
مفعول عطف معطوف به مفعول حرف ربط تعلیل فعل حرف ربط همپایه فعل

نکته ۲: نقش تبعی و حروف عطف: و، یا، ویرگول

۱- حرف عطف گاهی بدون «واو» و با ویرگول همراه است. (دائمی، توانایی، لازمه هر کاری است). (توانایی: معطوف)
دائمی و توانایی، لازمه هر کاری است.

۲- حرف عطف گاهی با «یا» همراه است. کتاب مبع النّوادر یا چهار مقاله، اثر ارزشمند نظامی عروضی است.
نهاد معطوف به نهاد

(گاهی به جای «و» و «یا» از ویرگول استفاده می شود)

۱۳- شکر گویم که مرا خوار نساخت به خسی چون تو گرفتار نساخت

بیت سه جمله دارد. (۱- شکر گویم ۲- که مرا خوار نساخت ۳- به خسی چون تو گرفتار نساخت)

مصرع اول: شکر گویم (می گویم) که مرا خوار نساخت

مفعول فعل مضارع افباری حرف ربط وابسته مفعول مسند فعل (نکته ۳)

مصرع دوم: به خسی چون تو گرفتار نساخت

حرف اضافه متمم حرف اضافه مضاف الیه مسند فعل چهار جزئی

نکته ۳: فعل هایی از مصدرهای «ساختن، نمودن، گرداندن، کردن، فرمودن» که جمله چهار جزئی با مفعول و مسند می سازند؛ به شرط آن که با آمدن یکی از این فعل ها بتوانیم فعل های نام برده را به جای آن به کار ببریم. البته به زمان فعل هم توجه می کنیم.

۱۴- داد با این همه افتادگی ام عزّ آزادی و آزادگی ام

بیت یک جمله دارد. (۱- با این همه افتادگی ام به من عزّ آزادی و آزادگی داد.)

مصرع اول: داد با این همه افتادگی ام

فعل حرف اضافه صفت اشاره متمم «م» مضاف الیه

مصرع دوم: عزّ آزادی و آزادگی: گروه مفعولی ام (به من)

مفعول مضاف الیه عطف معطوف به مضاف الیه متمم

آزمون درس هشتم «آزادگی» فارسی هشتم

۱- در بیت «عمر در خارکشی باخته‌ای / عزّت از خواری نشناخته‌ای» کلمات مشخص شده به ترتیب چه نقش دستوری دارند؟

- | | |
|-------------------|------------------|
| (۱) نهاد - نهاد | (۲) مفعول - نهاد |
| (۳) مفعول - مفعول | (۴) قید - مفعول |

۲- معنی واژه های مشخص شده ی بیت زیر، به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟

- | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| «کای فرازنده این چرخ بلند» | وی نوازنده دل های نژند» |
| (۱) بزرگ ، مهربان ، سردویی روح | (۲) برپاکننده ، آرامش بخش ، مهربان |
| (۳) افرازانده ، مهربان ، اقرارکننده | (۴) بلند کننده ، نوازش گر ، غمناک |

۳- با توجه به بیت زیر کدام گزینه نادرست است؟

- «آمد آن شکرگزاریش به گوش / گفت کای پیر خرف گشته، خموش!»
- | | |
|---|------------------------------------|
| (۱) بیت دارای سه جمله است | (۲) «خموش»، مسند است |
| (۳) «کای پیر خرف گشته، خموش»، مفعول است | (۴) «شکرگزاری»، هسته گروه اسمی است |

۴- کدام بیت به عزّت و آزادگی از نظر پیر خارکش اشاره ندارد؟

- | | |
|--------------------------------|----------------------------|
| (۱) پیر گفتا که: چه عزت زین به | که نیام بر در تو بالین نه |
| (۲) کای فلان! چاشت بده یا شامم | نان و آبی که خورم و آشامم |
| (۳) داد با این همه افتادگیام | عز آزادی و آزادگیام |
| (۴) شکر گویم که مرا خوار نساخت | به خسی چون تو گرفتار نساخت |

۵- در کدام بیت آرایه تضاد وجود دارد؟

- | | |
|--------------------------------|----------------------------|
| (۱) کای فلان! چاشت بده یا شامم | نان و آبی که خورم و آشامم |
| (۲) پیر گفتا که: چه عزت زین به | که نیام بر در تو بالین نه |
| (۳) شکر گویم که مرا خوار نساخت | به خسی چون تو گرفتار نساخت |
| (۴) داد با این همه افتادگیام | عز آزادی و آزادگیام |

۶- کدام گروه از کلمات زیر از نظر املایی درست نیست؟

- | | |
|------------------|----------------|
| (۱) خورش و خورش | (۲) خرف و خرفت |
| (۳) عزّت و خواری | (۴) خس و خوار |

۷- کدام دسته از کتاب های زیر از مثنوی های فارسی هستند؟

- (۱) شاهنامه فردوسی - هفت اورنگ - مثنوی مولوی - پریشان قآنی شیرازی
- (۲) شاهنامه فردوسی - بوستان سعدی - مثنوی مولوی - لیلی و مجنون نظامی
- (۳) دیوان پروین اعتصامی - هفت اورنگ - لیلی و مجنون نظامی - پریشان قآنی شیرازی
- (۴) دیوان پروین اعتصامی - هفت اورنگ - مثنوی مولوی - لیلی و مجنون نظامی

۸- کدام دو واژه با هم هم خانواده هستند؟

- (۱) خواری و خارکشی
- (۲) آزادی و آزادگی
- (۳) شام و آشام
- (۴) دولت و عزّت

۹- معنی واژه های «چاشت - خرف - دلق - پندار» به ترتیب در کدام گزینه درست بیان شده است؟

- (۱) بامداد - غافل - جامه پشمین - وهم
- (۲) ناشتایی - نادان - لباس ابریشمی - فکر
- (۳) ناشتایی - احمق - جامه پشمین - وهم
- (۴) صبحانه - نادان - لباس ابریشمی - گمان

۱۰- در کدام یک از گزینه های زیر، بیت یا عبارت داده شده با عبارت داخل کمانک مفهوم مشترکی ندارد؟

- (۱) حد من نیست ثنایت گفتن (شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار)
- (۲) در دولت به رخم بگشادی (من چه سبزم، مهربانی هست، سیب هست، ایمان هست).
- (۳) نوجوانی به جوانی مغرور (نوجوانی گه خودپسندی و پندار نیست)
- (۴) شکر گویم که مرا خوار نساخت (هر که در او جوهر دانایی است، بر همه چیزش توانایی است).

۱۱- کدام گزینه معنای دقیق تر بیت زیر است؟

«کنم از جیب نظر تا دامن چه عزیزی که نکردی با من»

- (۱) تمام وجودم را می نگرم، هیچ محبتی در حق من نکرده ای
- (۲) سر تا پایم را نگاه می کنم، کدام محبت را در حق من کرده ای
- (۳) از جیب به دامنم نگام می کنم، بسیار لطف و محبت در حق من کرده ای
- (۴) سر تا پایم را نگام می کنم، بسیار لطف و محبت در حق من کرده ای

۱۲- بیت زیر چند جمله است؟

«کای فلان چاشت بده یا شامم نان و آبی که خورم و آشامم»

- (۱) چهار جمله
- (۲) پنج جمله
- (۳) شش جمله
- (۴) هفت جمله

۱۳- مفهوم بیت «حد من نیست ثنایت گفتن / گوهر شکر عطایت سفتن» با کدام بیت ارتباط معنایی نزدیک تری دارد؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (۱) نعمت، بار خدایا، ز عدد بیرون است | شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار |
| (۲) هر گل و برگ که هست یاد خدا می کند | بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار |
| (۳) پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز | ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار |
| (۴) برگ درختان سبزد در نظر هوشیار | هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار |

۱۴- کدام گزینه با مفهوم بیت: ((حد من نیست ثنایت گفتن / گوهر شکر عطایت سفتن)) تناسب کم تری دارد؟

- | | |
|---|--------------------------------|
| (۱) غیر از ثنای تو نبود شغل دیگرم | کاری نباشدم به جهان جز دعای تو |
| (۲) عاجزیم از شکر نعمت های تو | عجز ما بین بگذر از کفران ما |
| (۳) لب گشا خود به ثنا، ورنه سخن پردازان | نتوانند زیان را به ثنا بگشایند |
| (۴) از دست و زیان که برآید | کز عهده شکرش به در آید |

۱۵- در بیت «کنم از جیب نظر تا دامن / چه عزیزی که نکردی با من» چند گروه اسمی وجود دارد؟

- | | | | |
|--------|--------|--------|----------|
| (۱) یک | (۲) دو | (۳) سه | (۴) چهار |
|--------|--------|--------|----------|

۱۶- در بیت «خار بر پشت، زنی زین سان گام / دولتت چیست؟ عزیزیت کدام؟» کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) زین سان مخفف از این سان است.
- (۲) گام به معنای قدم است.
- (۳) دولت به معنی خوشبختی است.
- (۴) مصراع اول یک جمله است.

پاسخ آزمون درس هشتم «آزادگی» فارسی هشتم

سوال ۱: گزینه ۳

هر دو کلمه مفعول است.

سوال ۲: گزینه ۴

سوال ۳: گزینه ۱

آمد آن شکرگزاریش به گوش (۱) گفت (۲) کای پیر خرف (۳) گشته، خموش! (۴) چهار جمله است.

سوال ۴: گزینه ۲

سوال ۵: گزینه ۱

چاشت و شام متضاد هم هستند

سوال ۶: گزینه ۴

خس و خار

سوال ۷: گزینه ۲

سوال ۸: گزینه ۲

سوال ۹: گزینه ۳

سوال ۱۰: گزینه ۴

سوال ۱۱: گزینه ۴

سوال ۱۲: گزینه ۳

بیت از شش جمله تشکیل شده است.

کای فلان ← ندا و منادا

(شبه جمله هستند و یک جمله ی کامل به حساب می آیند).

چاشت بده ← یک جمله

یا شامم ← فعل بده بعد از شامم حذف شده است. پس یک جمله به حساب می آید.

نانی و آبی ← فعل بده بعد از نان و آبی حذف شده است. پس یک جمله به حساب می آید.

خورم ← یک جمله

آشامم ← یک جمله

سوال ۱۳: گزینه ۱

سوال ۱۴: گزینه ۳

سوال ۱۵: گزینه ۴

کنم از جیب نظر تا دامن / چه عزیزی که نکردی با من

متّم متّم مفعول متّم

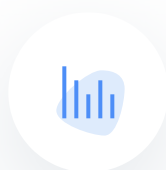
سوال ۱۶: گزینه ۴

خار بر پشت نهاده ای (یا داری) و اینگونه به سختی راه می روی



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد